

جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه

محمدباقر مقدسی* ابراهیم رضاقلی‌زاده**

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱۷)

چکیده:

حق بازداشت یکی از مهم‌ترین اختیاراتی است که در راستای مبارزه مؤثر با جرم به مقام‌های نظام کیفری اعطا شده است. به موازات اعمال این اختیار از سوی مقام‌های مذکور، این امکان وجود دارد که روند نهایی دادرسی به احراز مجرمیت منتهی نگردد. سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که آیا متهم بازداشت‌شده بی‌گناه می‌تواند بابت مدت بازداشت، تقاضای جبران خسارت نماید؟ به‌رغم برخی مخالفت‌ها، ادله‌ی طرفداران جبران خسارت از قوت بیش‌تری برخوردار است. به‌ویژه این که جبران خسارت، هم‌سو با اصل دادرسی عادلانه بوده و اخلاق نیز اقتضا می‌کند ظلم روا شده، جبران گردد. بر این اساس، در نظام دادرسی کیفری فرانسه از سال ۱۹۷۰ و در ایران از سال ۱۳۹۲ این نهاد به رسمیت شناخته شده است. از این جهت و با وجود برخی تفاوت‌ها در شرایط ماهوی و شکلی، در برخی موارد شباهت‌هایی بین مقررات این دو نظام مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه در هر دو نظام جبران خسارت در مواردی که قرار منع تعقیب یا حکم برائت قطعی شده امکان‌پذیر است، جبران خسارت تنها نسبت به متهم میسر بوده و شامل بازداشت غیرقانونی سایر افراد دخیل در فرایند دادرسی نمی‌شود و مسئولیت مطلق دولت در جبران خسارت پذیرفته شده است و دولت تنها پس از جبران خسارت می‌تواند به عامل اصلی مراجعه کند. علاوه بر این با وجود طرح ابهاماتی در خصوص اختصاص یافتن جبران خسارت برای مرحله دادرسی در حقوق فرانسه، باید گفت در هر دو نظام تصمیمات مرحله دادرسی و نیز مرحله دادگاه مشمول جبران خسارت خواهند بود. از سوی دیگر، در حقوق فرانسه نیز صدور قرار منع تعقیب و برائت (اعم از برائت صادره از دادگاه جنایی و یا دادگاه جنحه و خلاف)، در زمره موارد قابلیت امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی است. با این حال، موارد صدور قرار منع تعقیب در دو نظام متفاوت از یکدیگر است، به‌گونه‌ای که در حقوق فرانسه به‌واسطه گستره‌تر بودن مصادیق صدور این قرار نسبت به حقوق ایران، امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی بیش‌تر است. این مقاله تلاش دارد با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، پس از بیان پیشینه و مبانی جبران خسارت، شرایط ماهوی و شکلی جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه را تحلیل و بررسی نماید.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، بازداشت، متهمان بی‌گناه، اصل برائت، کمیسیون جبران خسارت.

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بجنورد (نویسنده‌ی مسئول):

mhmoghadas@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

مقدمه

هر چند دولت اختیارات گسترده‌ای برای تحقیق، تعقیب، محاکمه و مجازات دارد، ولی بر اساس اصل برائت^۱، در یک اجتماع دموکراتیک انتظار می‌رود که این اختیارات با احترام به کرامت و حیثیت هر یک از اشخاص اجرا شود (Ashworth, 2006: 249). در واقع اصل برائت از اشخاص در مقابل اقدامات خودسرانه دولت حفاظت می‌کند؛ بنابراین زمانی که منظونی از حق

۱. لازم به ذکر است که کاربرد اصطلاح اصل برائت در گستره مقررات آیین دادرسی مدنی چه در مرحله تحقیقات و چه در مرحله دادرسی با آن چه که خاستگاه این موضوع در حقوق اروپا و به‌ویژه در حقوق فرانسه بوده و دخیل در مقررات آیین دادرسی کیفری مانیز شده متفاوت است. در مقام بیان توضیح می‌توان گفت که وفق آموزه‌های حقوق اسلامی و مبانی استنباط در حقوق اسلام، در فرضی که نسبت به حکم حرمت یا جواز موضوعی شک شود، این امر ساری است که چون شارع مقدس، ترک احتیاط را جایز دانسته، بنابراین آن چه محل شک است، حکم مباح از احکام خمس می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، هرگاه شک نسبت به حکم حلال یا حرام بودن مصرف دخانیات شود، می‌گوییم اصل برائت است و در صورت مصرف دخانیات، فعل حرامی مرتکب نگشته‌ایم. از این رو، می‌توان گفت که مبنای حجیت برائت فقهی مجموعه‌ای از آیات قرآن، سنت، اجماع فقها و حکم عقل را در برمی‌گیرد. این در حالی است که برائت مورد بحث در علم حقوق به‌ویژه در موضوع آیین دادرسی کیفری، شک در تکلیف قلمداد نمی‌شود، بلکه در این مفهوم است که مجرمیت متهم در حالت فرع قرار گرفته و در برخورد مقدماتی، بی‌گناه تلقی می‌گردد. برائت در این فرض، به‌مثابه اصلی از اصول عملیه مطرح می‌گردد و معادل لاتین آن Principle است. (قافی و شریعتی، ۱۳۹۴: ۷۵) در واقع باید گفت اصل برائت کیفری ریشه در اصل عملی استصحاب دارد؛ زیرا با ورود اتهام به متهم اصل استصحاب عدمی به کمک وی شتافته و او را از انتساب ارتکاب جرم مبری می‌سازد. (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۸۶) از سوی دیگر و آن چه که در آثار آیین دادرسی کیفری از جمله در حقوق فرانسه نسبت به مفهوم برائت حقوقی یاد می‌گردد، اصطلاح فرض بی‌گناهی یا فرض برائت است. در واقع، در حقوق فرانسه در حالتی که مقنن مطابق با واقعیت‌های خارجی، موضوعی را در نظر گرفته و امکان اثبات خلاف نیز وجود دارد از اصطلاح فرض استفاده می‌نماید که برائت در مفهوم حقوقی نیز بدین معنا بکار رفته و معادل فرانسوی آن *Présomption* است (Boulloc, 2012: 38). با این حال، به نظر می‌رسد آن چه که بیان شد، در حد جدالی لفظی است و این مسامحه در کاربرست اصطلاحات فوق و خلط آن‌ها با یکدیگر نیز چندان محل ایراد جدی نیست. به ویژه آن که نصوص قانونی ایران نیز خود گاه دچار این خلط مفهومی شده و از جمله در اصل ۳۷ قانون اساسی عنوان شده است: «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» ضمن آن که گاه از آن به‌عنوان اماره نیز یاد شده است (قربانی و موحدی، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۳۷).

آزادی محروم می‌شود، باید دلایل مناسبی برای آن وجود داشته باشد. علاوه بر این، بر اساس این اصل حتی در فرضی هم که متهم با ادله کافی بازداشت می‌گردد، نباید با وی آن‌گونه برخورد گردد که گویی این بازداشت در نهایت به محکومیت وی منتهی می‌گردد و از این جهت باید بازداشت وی نیز با هدف موقت بودن و این که بعد از آن شخص بی‌گناه تلقی می‌گردد، اعمال شده و از هرگونه اعمال و رفتاری خلاف این موضوع پرهیز گردد (Stevens, 2009: 168). مضار و منافع بازداشت موجب شده از آن به‌عنوان یک شر لازم یاد شود که تاکنون جایگزین مناسبی برای آن یافت نشده است (Micels, 2010: 407). با این حال این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه خطایی در بازداشت رخ داد نباید اثری بر این خطا بار شود؟ در واقع به‌کارگیری بیش از حد این اهرم، به‌ویژه در مرحله پیش از دادرسی از یک سو و عدم اعمال مناسب آن نسبت به جرم ارتكابی از سوی دیگر، برخلاف عدالت بوده و باعث می‌شود به حقوق متهم در فرایند دادرسی خدشه وارد شود. از این جهت و به‌رغم معنای موسع خطای قضایی، مطابق آموزه‌های موجود آیین دادرسی کیفری، توقیف و بازداشت‌های ناروا یکی از مصادیق خطاهای قضایی^۱ است (غلاملو؛ فرجیها، ۱۳۹۳: ۶۹). از این جهت، باید در راستای تعدیل صدور و اعمال بازداشت موقت، ضمانت اجرای خاصی وجود داشته باشد تا با خاصیت پیش‌گیرانه، زمینه بروز اشتباهات دادرسان و مراجع رسیدگی‌کننده را به حداقل کاهش داده و در صورت وقوع اشتباه از متهمان بی‌گناهی که مدتی را در بازداشت گذرانده‌اند، دلجویی شده و جبران خسارت شود. به عبارت دقیق‌تر، تحمیل ضرر و زیان نقص و خطای نظام عدالت کیفری و هزینه‌های ناشی از آن بر دوش

۱. خطای قضایی در مفهوم اعم به‌عنوان هر آنچه در مرحله رسیدگی تا دادرسی و ختم نتیجه ناشی از برداشت نادرست یا قصور مقام رسیدگی‌کننده موجب ایجاد لطمه به حقوق فردی و دادرسی متهم و محکوم می‌گردد، تعبیر می‌شود. از این جهت، بازداشت افراد بی‌گناه نیز در زمره یکی از مصادیق خطاهای قضایی محسوب می‌گردد. در حقیقت مهم‌ترین مصادیق خطای قضایی، بازداشت و به دنبال آن محکومیت افراد بی‌گناه است. شایان ذکر است که بی‌گناهی می‌تواند واقعی و یا حقوقی باشد؛ یعنی یا اساساً جرمی را مرتکب نگردیده و یا ادله کافی جهت اثبات مجرمیت وی وجود ندارد. در هر حال، هرگونه سلب آزادی از سوی مقام رسیدگی‌کننده در این حالت، به مثابه نوعی خطای قضایی محسوب می‌گردد (Pradel, 2014: 119).

فرد، امری است که عقل سلیم آن را نپذیرفته و از این جهت، حق بر جبران خسارت، به موازات آن که نسبت به محکومیت ناصحیح برقرار است، در رابطه با بازداشت در فرایند کیفری نیز باید قابلیت اعمال داشته باشد (Rosem, 1974: 616).

گرچه اسناد بین‌المللی متقدم مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) به صراحت به جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه اشاره نکرده‌اند،^۱ ولی امروزه این موضوع در عرصه داخلی و بین‌المللی محل بحث بسیاری بوده است. به‌عنوان نمونه در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق یکی از متهمان^۲ به مدت دو سال بازداشت شده و حتی در اثر بازداشت کار خود را از دست داده بود. در نهایت وی در سال ۲۰۰۱ از کلیه اتهامات تبرئه شد. علاوه بر این، ۹ متهم دیگر نیز وضعیت مشابهی داشتند. در این دادگاه این سؤال مطرح شده بود که آیا این افراد بابت مدت بازداشت و خسارات وارده می‌توانند غرامت درخواست کنند؟ هرچند دادگاه بیان کرد چون در اساسنامه دادگاه چنین حقی پیش‌بینی نشده است، شخص نمی‌تواند درخواست غرامت کند، ولی تردیدهای جدی در خصوص عادلانه بودن این رأی مطرح شده است. با این حال، در دو پرونده مشابه در شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری

۱. باید توجه داشت که جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه، متفاوت از جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی و نیز جبران خسارت ناشی از محکومیت بی‌گناهان است. در مورد اول فرد در یک چهارچوب قانونی، متهم به ارتکاب جرم شده و مدتی بازداشت شده، ولی در نهایت تبرئه می‌گردد. در این فرض حق جبران خسارت برای فرد فارغ از این که مدت بازداشت چقدر باشد و فرایند رسیدگی چه میزان طول کشیده باشد، مطرح می‌شود (Micels, 2010: 412). در مورد دوم، ترتیبات بازداشت فرد (اصل بازداشت یا ادامه آن) به نحو صحیح و قانونی طی نشده است. به‌عنوان نمونه بازداشت بدون وجود ادله کافی و یا بازداشت متهم بدون اخذ دستور مقام قضایی بیش از ۲۴ ساعت در این دسته قرار می‌گیرد. (پورمحمدی، ۱۳۷۴: ۱۵۸-۱۵۴) در مورد سوم، فرد متهم به ارتکاب جرم شده و در نهایت محکوم می‌گردد (ممکن است حتی در فرایند کیفری بازداشت نشده و سایر قرارهای تأمین صادر شده باشد) ولی پس از صدور حکم قطعی محکومیت، بی‌گناهی وی اثبات شود. (فرجیها و غلاملو، ۱۳۹۴: ۶۲-۳۹) هرچند در دو مورد اخیر نوعی اتفاق نظر در خصوص لزوم جبران خسارت وجود دارد، ولی در مورد اول که محل بحث این مقاله است، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است.

2. Zejnîl Delalic

بین‌المللی روآندا، حکم جبران خسارت صادر گردید. این دادگاه در رأی خود بیان کرد که حق جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه به‌مثابه سنگ محک رسیدگی منصفانه بوده و متهمان به خاطر نقض حقوقشان مستحق غرامت هستند (Staker & Nerlich, 2015: 1998). در عرصه داخلی نیز بسیاری از نظام‌ها از جمله نروژ (Bratholm, 1961: 833)، سوئد و دانمارک (Gammeltoft-Hansen, 1974: 30-46)، اتریش^۱، آلمان^۲، هلند (Crijns, et.al, 2016: 6)، ایتالیا^۳ و اسپانیا^۴ این حق را به رسمیت شناخته‌اند.

نظام عدالت کیفری فرانسه نیز از سال ۱۹۷۰^۵ و نظام عدالت کیفری ایران از سال ۱۳۹۲ حق جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه را پذیرفته‌اند. تأسیس این نهاد در وهله نخست، فرصتی فراهم کرده تا مقامات نظام عدالت کیفری دقت کنند که در روند رسیدگی، گزارش‌های مستند گردآوری گردد تا فرد بی‌گناهی تعقیب نشود. در واقع پیش‌بینی این نهاد هشدار می‌دهد که برای تمام مأموران نظام عدالت کیفری تا در کمال دقت رسیدگی کنند تا فردی بدون جهت گرفتار فرایند کیفری نگردد. در وهله دوم، این نهاد موجب می‌شود هرچند اندک، با پرداخت وجهی به متهم بی‌گناه قسمتی از آلام و رنج‌هایی که در اثر بازداشت متحمل شده، جبران گردد. با این حال، به دلیل نوبابودن این نهاد، ابهام‌هایی در خصوص حدود و ثغور جبران خسارت، نحوه‌ی جبران خسارت و دیگر مسائل مشابه مطرح می‌گردد. از این جهت، عمده‌ترین پرسش‌هایی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که: اولاً، مبنای جبران خسارت چیست و خاستگاه آن را باید در کجا جست‌وجو نمود؟ مهم‌ترین استدلال‌های موافقان و مخالفان جبران خسارت

1. Section 2(1) (b) of the Austrian Compensation Criminal Proceedings Act (1969)
2. Section 467 of the German Code of Criminal Procedure (1987)
3. Article 314 of the Italian Code of Criminal Procedure (1988)
4. Article 294 of the Spanish Judiciary Power Act (1985)

۵. این پیش‌بینی به موجب ماده ۳۰ قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ تحت عنوان «قانون تضمین آزادی‌های فردی شهروندان» به عمل آمد. مواد مختلف این قانون به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ اصلاح شده است. مشابه این پیش‌بینی در ماده ۵۵-۱ قانون جزای ۱۸۱۰ اعمال شده و عملاً توسط ماده ۳۰ قانون ۱۹۷۰ نسخ شده است.

چیست و نظر کدام گروه مبنای قوی تری دارد؟ گستره اعمال جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت متهمان بی گناه، کجاست؟ حقوق ایران و فرانسه در خصوص جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی گناه چه شرایط ماهوی و شکلی را پیش بینی کرده اند؟ روش تحقیق این نوشتار، توصیفی و تحلیلی است. فلذا پس از بیان پیشینه، مبنا و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جبران خسارت، سیاست کیفری تقنینی دو نظام فرانسه و ایران بحث و بررسی خواهد شد.

۱. پیشینه جبران خسارت

توجه به جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی گناه در فرانسه، به سال ۱۸۷۱ و آکادمی جایزه ادبی فرانسه باز می گردد که بر طبق آن، دو تن از نویسندگان شرکت کننده در این آکادمی با ارائه آثاری تحت عناوین «نقدی پیرامون جبران خسارت اشخاص بی گناه» و «انتقام جویی از خون اشخاص بی گناه» نامزد دریافت جایزه این آکادمی شدند. بازتاب این آثار چنان بود که لویی شانزدهم دستور رسیدگی به این موضوع را صادر نموده و به دنبال آن، دو تن از نمایندگان دادگستری طی یک سخنرانی در پارلمان بر اراده پادشاه به پیش بینی نهادی در رابطه با جبران خسارت افراد بی گناه تأکید ورزیدند. به رغم توجه کشورهای مختلف به این موضوع در جریان حوادث مذکور در فرانسه تا پایان قرن نوزدهم و حتی اواسط قرن بیستم، نظام قانون گذاری هیچ کشوری به صورت مدون به پیش بینی نهاد جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی متهمان بی گناه همت نورزید (رسولی، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۴). به دنبال این موضوع و پس از تحولات ایجاد شده در مقررات کیفری فرانسه، علاوه بر این که قانون جزای فرانسه ذیل مباحثی همانند جرایم علیه آزادی اشخاص^۱ (از جمله ماده ۱-۲۲۴ این قانون) هرگونه توقیف، بازداشت و حبس افراد به صورت غیرقانونی را مستوجب ۵ سال حبس دانست، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ نیز، در ماده ۱۴۹ و سپس در قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ در همین ماده و با اندک اصلاحاتی،

1. Crimes contre les personnes

برای کسانی که درگیر بازداشت شده‌اند و سپس حکم بی‌گناهی آن‌ها صادر شده است، حق جبران خسارت قائل شد (Bouloc, 2012: 212).

در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به صراحت به جبران خسارت دولتی ناشی از بازداشت غیرقانونی متهمان بی‌گناه اشاره نشده و تنها در برخی قوانین به‌طور ضمنی به لزوم جبران خسارت توسط افراد و نه دولت اشاره شده بود. به‌عنوان نمونه، به‌موجب تبصره ۴ ذیل بند «خ» ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی (۱۳۳۴) «هریک از مأمورین دولتی یا شهرداری و یا کسانی که برحسب وظیفه متصدی مراقبت در امور دارویی هستند... در صورتی که ثابت شود... گزارش به‌قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود در صورت برائت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارت وارده به مدعی خصوصی به پنج سال حبس محکوم می‌گردند.» همچنین در اسناد بالادستی مانند اصل ۳۹ قانون اساسی^۱ نیز به‌صورت غیر مستقیم، بارقه‌های جبران خسارت مشاهده می‌شود. همین رویه در قوانین عادی مانند مواد ۲۵۷۰ و ۵۸۳^۲ قانون تعزیرات (۱۳۷۵) و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۷)^۳ نیز مشاهده می‌شود. نکته قابل توجه این است که این اسناد بر

۱. اصل ۳۹ قانون اساسی: «هتك حرمت و حیثیت کسی که به‌حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

۲. ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات: «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا دو سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

۳. ماده ۵۸۳ قانون تعزیرات: «هرکس از مقامات و مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها، بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار، در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

۴. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «لطمه زدن به حقوق غیرمالی مانند جان یا سلامتی یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا هر حق قانونی موجب جبران خسارت است.»

جبران خسارت توسط فردی که موجبات بازداشت را فراهم کرده، تأکید می‌کند و نه جبران خسارت توسط دولت. با این حال، برای اولین بار در مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به صورت صریح جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه توسط دولت پذیرفته شد.

۲. مبنای جبران خسارت

جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه، مطابق با قواعد فقهی بوده، همسو با اصول حقوقی است و اخلاق نیز بر لزوم آن تأکید می‌کند.

۲-۱. هم‌سویی با قواعد فقهی

از آن جایی که در حقوق اسلام زندان جز در موارد استثنایی به عنوان مجازات شناخته نشده است، به طریق اولی توقیف و بازداشت متهمان قبل از محاکمه نیز امری استثنایی بوده و تنها در موارد محدود پذیرفته شده است (آشوری، ۱۳۸۵: ۱۶۲). چنان که در کتب فقهی بازداشت متهم عموماً در مبحث قتل مطرح می‌شود و برخی فقها (طوسی، بی تا: ۷۴۴) مطلقاً و برخی دیگر (جلی عاملی، بی تا، ج ۱۰: ۷۶) به شرط درخواست اولیای دم و خوف فرار متهم یا تبانی وی، بازداشت او را جایز دانسته‌اند. با این حال، در صورتی که بازداشت غیرقانونی باشد، الزام به رعایت برخی قواعد مانند «قاعده لا ضرر» و «قاعده ضمان» نیز مطرح می‌شود. علاوه بر این، وفق آموزه‌های فقه امامیه، امور غیرمالی و شخصیت افراد و هم‌چنین حق بر آزادی، در زمره حقوق بنیادین شناخته شده که می‌تواند ضمن همراه داشتن مسئولیت و ضمان، معیاری جهت عقوبت اخروی ناشی از بازداشت غیرقانونی قلمداد گردد. مضاف بر این، مطابق نظر برخی از فقها، در فرضی که دادرسی دچار خطا شود یا موجبات تلف اعم از مادی یا معنوی را از طریق حکم خویش فراهم آورد، اگر در نظر خویش تقصیر کرده باشد ضامن است، در غیر این صورت، بنا به قاعده احسان، ضرر از بیت‌المال پرداخت می‌گردد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۶). به عبارتی، جهت تبیین و

توجیه جبران خسارت از بیت‌المال در آموزه‌های فقه امامیه باید گفت؛ جز در فرض عمد و تقصیر قاضی در صدور حکم موجب بازداشت که جبران ضرر بر عهده خود اوست، در صورت تحقق خطا از سمت وی، جبران خسارت بر عهده بیت‌المال قرار داده شده است. در حقیقت، مطابق نظر برخی فقهای امامیه (نجفی، بی‌تا، ج ۴۰: ۷۹)، به دلیل محسن قلمداد شدن قاضی، امکان جبران ضرر و زیان از بیت‌المال باید فراهم گردد.^۱ با این حال، پاره‌ای از فقهای معاصر (محللاتی، ۱۳۹۲: ۱۱۶) در راستای مخالفت با این عقیده برآمده و این‌گونه استدلال نموده‌اند که بر فرض پذیرش محسن بودن قاضی در مقام صدور حکم ناشی از خطا، مبنای روایت جبران خسارت از بیت‌المال خدشه دارد. به عبارت دقیق‌تر، مبنای استناد فقهای قائل به جواز جبران خسارت از بیت‌المال، روایتی از امیرالمؤمنین (ع) با این مضمون است که مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْسَدُهُ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّ مَا أَخْطَأَتِ الْقَضَاءُ فِي دَمٍ - أَوْ قَطَعَ فَهُوَ عَلَى بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷: ۲۲۶). این در حالی است که یکی از اشکالات وارد بر صاحب جواهر در این جا راجع به تعبیر «قال امیرالمؤمنین» است؛ زیرا در روایت مذکور عبارت «قاضی امیرالمؤمنین» وجود دارد. بدین ترتیب، در وهله نخست، باید توجه داشت که کلمه «قاضی» دال بر حکم حکومتی بوده و اخبار از حکم شرعی را مدنظر نداشته است. در وهله بعد، بر فرض پذیرش روایت مبنی بر بیان اخبار از حکم شرعی، این حکم به دلیل بیان عبارت «فی دم أو قطع»، تنها در رابطه با خسارات جسمی است (محللاتی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). این در حالی است که جبران خسارت ناشی از بازداشت بیش‌تر ناظر بر ضررهای معنوی و گاه ضررهای مالی غیرمستقیم ناشی از بازداشت است. به نظر می‌رسد که قطع نظر از خدشه در سند روایی، وجود چنین روایتی هرچند در مقام بیان حکم حکومتی و محدودیت آن بر خسارات جانی، به‌عنوان بارقه‌ای از لزوم جبران خسارت از بیت‌المال در نتیجه خطای قاضی قابل تأمل است.

۱. «... لم يضمن لانه محسن و كان على بيت المال بلاخلاف أجده فيه نصاً و فتوى، قال اميرالمؤمنين عليه السلام في خبر الأصبغ:

«ما أخطأه القضاء في دم أو قطع فهو على بيت مال المسلمين.»

۲-۲. الزام به رعایت اصول دادرسی عادلانه

بی تردید، اصل دادرسی عادلانه در پیکره حقوق کیفری به مثابه یکی از اصول بنیادین در راستای تبیین حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر محسوب می گردد. این اصل ضمن دربرداشتن مفهوم احترام، معیار و سنگ محکی در جهت رفتار قانونی و اخلاق گرایی قلمداد می شود و بدیهی است که عمل مخالف آن، نقض قانون و اخلاق است. به عبارت دقیق تر، طبق این اصل که هنجارهای آن مطابق با اصول، قوانین و اسناد داخلی و بین المللی تنظیم می گردد، رعایت بی طرفی و توجه به حقوق شهروندی برای طرفین دعوا به ویژه متهم نقش قابل توجهی بازی می نماید (فضایلی، ۱۳۸۸: ۴۵). بدین سان التزام به اصل مذکور که شاخصه اصلی آن اعمال و لحاظ اصل براءت در رسیدگی های کیفری است، بیش از هر چیز دادرسان و مراجع رسیدگی کننده را ملزم به رعایت انصاف و توجه به حقوق متهم نموده و در فرض قصور یا تقصیر نیز هرگونه صدمه یا لطمه ای که در طول بازداشت وی وارد می شود، اعم از مادی و یا معنوی، باید جبران گردد.

در اسناد بین المللی متقدم به صراحت حق جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه پیش بینی نشده است. چنان که در بند ۵ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از حق جبران خسارت افرادی که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده اند صحبت به میان آمده است. همچنین مطابق بند ۶ ماده ۱۴ میثاق، حق جبران خسارت محکومان بی گناه پذیرفته شده است. با این حال، همان گونه که پیش از این نیز بیان شد این موارد متفاوت از جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه است. با این وجود، می توان گفت جبران خسارت از این گونه افراد همسو با اصل براءت و از نتایج آن بوده که در اسناد متعدد از جمله بند ۲ ماده ۱۴ میثاق و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که به رغم پذیرش اصل براءت در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تاکنون رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه روشن نبوده است (Domenech & Puchades, 2015: 167-177).

۲-۳. تأکید اخلاق بر لزوم رفع ظلم

اخلاق بی‌تفاوتی نسبت به ظلم و عدم کمک به مظلوم را برنرفته و هرگونه بی‌توجهی نسبت به این موضوع را مذموم می‌شمارد. علاوه بر این، آموزه‌های دینی به‌ویژه برخی آیات قرآنی همانند آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء^۱ و آیه ۴۱ سوره مبارکه شوری^۲ نیز بر لزوم رفع ظلم تأکید کرده‌اند. بازداشت فرد بی‌گناه به‌مثابه‌ی ظلمی آشکار قلمداد شده و بر اساس اصل اخلاقی لزوم رفع ظلم، باید نسبت به جبران خسارت ناشی از آن، اعم از مادی و معنوی، اهتمام ورزید.

۳. جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده‌ی بی‌گناه در اندیشه‌ی متفکران

جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده‌ی بی‌گناه موافقان و مخالفان جدی دارد. در ادامه مهم‌ترین استدلال‌های هر گروه بیان می‌شود.

۳-۱. ادله‌ی مخالفان

مخالفان پرداخت غرامت به متهمان بازداشت‌شده‌ی بی‌گناه دلایل متعددی در توجیه نظر خود بیان می‌کنند. آنان معتقدند که اولاً، جبران خسارت برنامه‌هزینه‌بری است و اجرای آن بار سنگینی را بر دوش دولت تحمیل کرده و به‌طور غیر مستقیم باید هزینه‌های اجرای آن را سایر شهروندان پرداخت کنند. ثانیاً، پیش‌بینی جبران خسارت ممکن است در اشتیاق مقام‌های قضایی برای پیگیری پرونده‌ها تأثیرگذار باشد؛ زیرا مقام‌های قضایی (دادستان‌ها) از ترس پرداخت خسارت به متهمان از بودجه عمومی، اشتیاقی به طرح دعوا و اقامه آن در دادگاه نخواهند داشت. ثالثاً، جبران خسارت موجب می‌شود قضات با درک این مطلب که چنانچه متهم تبرئه شود، باید از منابع عمومی به وی غرامت پرداخت شود، تلاش کنند وی را به ناحق محکوم کنند، هرچند این

۱. «و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا أخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها».

۲. «و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل».

محکومیت یک مجازات خفیف باشد. پیش‌بینی این نهاد این مخاطره را دارد که در نهایت به ضرر بی‌گناهان واقعی تمام شود و احتمال افزایش صدور حکم محکومیت (هرچند اندک) آنان را افزایش دهد (Gammeltoft-Hansen, 1974: 59). رابعاً، پذیرش حق جبران خسارت موجب می‌شود که به همه متهمانی که حکم برائت آن‌ها صادر شده، غرامت پرداخت شود، فارغ از این که بی‌گناهی وی واقعی بوده یا خیر. چه‌بسا فردی واقعاً مرتکب جرم شده باشد، ولی به دلیل فقدان ادله کافی حکم برائت وی صادر شود. در نتیجه برخی مجرمان به هزینه عمومی مبلغی به ناحق دریافت می‌کنند. در واقع پرداخت غرامت به این افراد خلاف اصل برائت است. افرادی که واقعاً مرتکب جرم شده‌اند، ولی به دلیل فقدان ادله کافی تبرئه شده‌اند، نباید از نتایج اصل برائت بهره‌مند گردند (Michels, 2010: 418-422). خامساً، جبران خسارت موجب بررسی مجدد پرونده می‌شود. این در حالی است که قاعده اعتبار امر مختومه چنین فرضی را بر نمی‌تابد. نهایت این که خطر تعقیب و بازداشت یکی از هزاران خطر غیرقابل اجتناب زندگی در اجتماع است؛ بنابراین دلیلی ندارد که شهروندان بابت چنین بازداشت‌هایی، جبران خسارت را درخواست کنند (MacKinnon, 1988: 490).

۳-۲. ادله موافقان

در مقابل موافقان جبران خسارت معتقدند همه ایرادهای مخالفان قابل نقد است؛ زیرا اولاً، هزینه‌های پرداخت‌شده در برنامه جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در مقابل منافع مادی و معنوی که از آن به دست می‌آید، بسیار ناچیز است (Beresford, 2002: 633). ثانیاً، در صورت پیش‌بینی نهاد جبران خسارت، دادستان‌ها به راحتی به کسی اتهام نزده و وی را بازداشت نمی‌کنند؛ بنابراین تنها در صورت وجود ادله قوی و متقن شکایت و تعقیب را شروع کرده و متهم را بازداشت می‌کنند. از این‌رو افراد بی‌گناه کم‌تری متهم شده و بازداشت خواهند شد. ثالثاً، این استدلال که قضات ترغیب می‌شوند که در هر صورت حکم محکومیت صادر کنند کاملاً نظری بوده و اثبات نشده است و نمی‌توان در این مورد که قضات، ناخودآگاه پاسدار خزانه

و منابع عمومی خواهند شد، پیش داوری کرد. علاوه بر این، قضات با وجدان حاضر نیستند به بهای محافظت از بودجه عمومی استحقاق متهم در جبران خسارات وارده در مدت بازداشت را نادیده گیرند (MacKinnon, 1988: 502). رابعاً، مرتکبی که تیرئه شده منفعت اقتصادی دریافت نمی‌کند، بلکه به خاطر ضررها و آسیب‌هایی که در دوره بازداشت متحمل شده غرامت دریافت می‌کند. علاوه بر این، در برخی نظام‌ها همانند نروژ تنها زمانی حکم به پرداخت خسارت صادر می‌شود که اثبات شود به هیچ وجه احتمال ارتکاب جرایم تفهیم شده، وجود ندارد. اگر دادگاه تشخیص دهد که احتمال مجرمیت و برائت وی برابر است، حکم پرداخت خسارت صادر نمی‌شود. هرچند، این راه حل مشکل‌زا است. آن چنان که براساس رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر زمانی که حکم برائت قطعی شد، هرگونه تشکیک در آن مخالف اصل برائت است (Michels, 2010: 418-422). خامساً، بین جبران خسارت با قاعده اعتبار مختومه تا حدودی تعارضی وجود ندارد. بدین توضیح که این امر حداقل در خصوص قرار منع تعقیب در فرض عدم وجود ادله کافی، سالبه به انتفای موضوع است. هرچند برخی از حقوق‌دانان فرانسوی در هر دو حالت اصدار قرار منع تعقیب چه به دلیل جرم نبودن عمل و چه به دلیل عدم وجود ادله، قاعده‌ی اعتبار امر مختومه را نسبت به هر دو فرض ساری و جاری می‌دانند با این تفاوت که قدرت این اعتبار را در حالت نخست مطلق و در فرض دوم تا زمان کشف دلیل مجرمیت جدید دانسته‌اند (pradel, 2014: 391). در رابطه با حکم برائت نیز جبران خسارت را باید ادامه رسیدگی به موضوع دانسته و نباید آن را رسیدگی مجدد قلمداد نمود؛ به عبارت دیگر آن چه مربوط به احکام قطعی برائت دادگاه‌ها است، در رسیدگی ثانوی که به منظور تخمین میزان خسارت وارده به عمل می‌آید، مطلقاً محاکمه مجدد متهم مورد توجه نبوده و برعکس با پرداخت خسارت مادی و معنوی به متهمی که به موجب حکم دادگاه برائت حاصل نموده، در حقیقت آثار و نتایج حکم برائت را اجرا می‌سازیم. در واقع همان‌طور که آزادی فوری متهم و درج برائت وی در مطبوعات از آثار حکم برائت محسوب می‌شوند، جبران خسارت از متهمان بی‌گناه نیز یکی دیگر از آثار

حکم برائت و حتی مهم‌ترین اثر آن خواهد بود (مصدق، ۱۳۹۴: ۱۶۴). ضمن این که در بسیاری از کشورها همانند ایران و فرانسه، مرجع مطالبه جبران خسارت، کمیسیون خاصی است که از این جهت، معادل مرجع رسیدگی به پرونده به معنای اخص نیست.

علاوه بر این، موافقان جبران خسارت معتقدند فرد با ارتکاب جرم به جامعه بدهکار بوده و برای تأدیه دین خود به اجتماع باید به میزانی که دادگاه تشخیص می‌دهد مجازات را تحمل کند. فلذا اگر در مرحله قبل از محکومیت قسمتی از این بدهی را تأدیه کرده باشد، باید محاسبه و تهاتر شود. با این حال، فرد بی‌گناهی که جرمی را مرتکب نشده، بدهی به جامعه ندارد که بخواهد آن را پردازد. در مقابل، جامعه به خاطر محروم کردن وی از حق آزادی، بدهی به وی دارد که باید از طریق جبران خسارت آن را پردازد. علاوه بر این، پذیرش مشروعیت دستگاه قضایی به کیفیت تصمیمات و فرایندها بستگی دارد. جبران خسارت از متهمان بی‌گناه موجب افزایش اعتبار و مقبولیت و مشروعیت رسیدگی‌ها خواهد شد (Beresford, 2002: 635). در عین حال، جبران خسارت موجب ایجاد حس رضایت اخلاقی در متهمان بی‌گناه می‌شود. از این جهت و در راستای تحقق این هدف جبران خسارت می‌تواند جنبه‌های غیرمالی هم پیدا کند. برای نمونه در ژاپن متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه می‌توانند درخواست کنند که حکم برائت آنان در روزنامه رسمی و سه روزنامه به انتخاب خودشان منتشر شود (Shelbourn, 1978: 28). بر اساس همین منطق ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته «شخصی که به موجب حکم قطعی برائت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادرکننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.» بنابراین جبران خسارت می‌تواند در کاهش و از بین رفتن فشار روانی فرد کمک کند. مضاف بر این، جبران خسارت می‌تواند از طریق رهایی و آزادی فرد از سوءظن طولانی و درازمدت، در بازپروری اخلاقی وی تأثیرگذار باشد (Bratholm, 1961: 841). شایان ذکر است بر اساس یک اصل اساسی زمانی که در نتیجه اقدامات مأموران دولت ضرری

به فردی وارد می‌شود، تعهد اخلاقی اقتضا می‌کند که دولت و نهادهای مسبب، این خسارت‌ها را جبران کنند (Beresford, 2002: 633). اگر جامعه علاقه‌مند است جدیت خود نسبت به رعایت حق آزادی افراد را نشان دهد، باید ضمانت‌اجراهایی در زمانی که حق آزادی به دلایل واهی نادیده گرفته شده نیز پیش‌بینی شود. جبران خسارت یکی از ابزارها برای نشان دادن آن است. شایان ذکر است هرچند غرامت پرداخت‌شده، نمی‌تواند کلیه صدمات وارده را جبران نماید، ولی می‌تواند از طریق تقویت و بهبود پذیرش اجتماعی، کارکرد ترمیمی و درمانی داشته باشد (Beresford, 2002: 634-635). نهایت این که جبران خسارت موجب کاهش هزینه‌های شهروندان مطیع قانون می‌شود که به اشتباه بازداشت شده‌اند (Domenech & Puchades, 2015: 166-167). تأملی در ادله مخالفان و موافقان نشان می‌دهد که استدلال‌های گروه دوم از پشتوانه قوی‌تری برخوردار است. از این‌روست که امروزه بسیاری از نظام‌ها از جمله ایران و فرانسه به سمت پیش‌بینی نهاد جبران خسارت گام برداشته‌اند.

۴. شرایط جبران خسارت

در نظام حقوقی ایران و فرانسه پرداخت غرامت به متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه مستلزم تحقق شرایط ماهوی و رعایت تشریفات شکلی خاص است.

۴-۱. شرایط ماهوی

همان‌گونه که بیان شد در مقام تبیین مفهوم جبران خسارت ناشی از بازداشت، دو مورد قابل طرح است. نخست این که جبران خسارت ناظر بر بازداشتی است که در نتیجه سلب آزادی فرد توسط مقامات قضایی و یا غیرقضایی بدون رعایت تشریفات قانونی صورت می‌گیرد و دوم این که مرجع صادرکننده بازداشت ترتیبات قانونی را رعایت کرده، ولی در ادامه به دلیل اثبات بی‌گناهی یا فقدان دلیل، مجرمیت فرد اثبات نشده است (Gautier, 2008: 309). بازداشت برخلاف قانون

یا توسط فرد فاقد صلاحیت (موضوع مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ قانون تعزیرات) در دسته نخست قرار می‌گیرد. در این موارد فرد بازداشت شده از حق مطالبه جبران خسارت وارده، اعم از خسارات مادی و معنوی، به هر میزان که بازداشت به طول انجامیده باشد، برخوردار است. علاوه بر این، مرتکب به دلیل نقض تشریفات قانونی در بازداشت فرد، به مجازات مقرر تعزیری نیز محکوم خواهد شد. با توجه به موضوع این نوشتار، جبران خسارت از این نوع بازداشت‌ها از موضوع بحث خارج است و تنها جبران خسارت از متهمانی که در چهارچوب مقررات قانونی بازداشت شده، ولی در نهایتاً بی‌گناهی آنان اثبات و تبرئه می‌گردد، بررسی خواهد شد.

ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران در خصوص افرادی که می‌توانند درخواست جبران خسارت کنند بیان داشته: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند...» در خصوص تفسیر واژه «به هر علت» دو نظر می‌تواند مطرح شود. بر اساس نظر اول، این عبارت ناظر بر وصف مجرمانه است. بدین معنا که فارغ از اتهام انتسابی، فرد در صورت صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب مستحق جبران خسارت خواهد شد. در مقابل، عده ای از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که علاوه بر قرار بازداشت موقت، کسی که به موجب قرار کفالت یا وثیقه منجر به بازداشت، از حق آزادی بی‌نصیب می‌گردد، در فرضی که تصمیم راجع به وی با قرار منع تعقیب یا حکم براءت روبه‌رو گردد، نیز می‌تواند بابت روزهای سپری شده در بازداشت، تقاضای جبران خسارت نماید. حتی معتقدند که حکم این ماده شامل سلب آزادی در نتیجه تحت نظر بودن به وسیله ضابطان دادگستری (هرچند برای چند ساعت) نیز می‌شود. ایشان

۱. «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»
۲. «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

در مقام تأیید ادعای خویش به تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری استناد می‌کنند که به موجب آن «اگر مدت زمان تحت نظر یا بازداشت شدن متهم کم‌تر از بیست و چهار ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود» (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۶۴-۲۶۳). در تقویت این نظر می‌توان گفت اگر مراد قانون‌گذار از عبارت «به هر علت» وصف مجرمانه بود، از عبارتی مانند «به هر اتهام» استفاده می‌شد. علاوه بر این، هدف غایی جبران خسارت، لزوماً جبران خسارت مالی نیست، بلکه جبران خسارت معنوی و کاهش آلام و دردهای متهم بازداشت‌شده بی‌گناه نیز مدنظر است که این آسیب‌ها ممکن است در اثر چند ساعت بازداشت نیز به وی وارد شود. مضاف بر این، تفسیر به نفع متهم نیز اقتضا می‌کند دیدگاه دوم که موسع‌تر بوده و منافع متهم بازداشت‌شده بی‌گناه را تأمین می‌کند، بپذیریم. این در حالی است که در حقوق فرانسه میان آموزه‌های حقوقی و رویه قضایی تهافت عقیده به چشم می‌خورد. به عبارت دقیق‌تر، آن‌چه در تألیفات حقوقی این کشور از تفسیر ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری به دست می‌آید، محدود نمودن امکان جبران خسارت به قرار بازداشتی است که مجازات جرم دو سال حبس یا بیش‌تر یا این‌که یک سال در جرایم مشهود باشد و بدین ترتیب، سایر بازداشت‌ها از جمله تحت‌نظر بودن و قرار وثیقه و کفالت منجر به بازداشت را از شمول این حکم خارج نموده‌اند (Larguier, 2010: 132). در مقابل، دیوان عالی کشور با تفسیر موسعی از مفهوم بازداشت موقت در ماده فوق‌الذکر، موارد مذکور را نیز در حکم قابلیت جبران خسارت گنجانده است (www.dalloz.fr). به‌ویژه آن‌که اساساً در حقوق فرانسه، امکان بازداشت موقت در راستای اعمال الزامات راجع به کنترل قضایی در جرایم با مجازات کم‌تر از یک‌سال حبس نیز قابل تصور است (Bouloc, 2012: 220). لازم به ذکر است که هرچند در ظاهر قانون‌گذار فرانسه نیز مانند حقوق ایران، صدور قرار منع تعقیب^۱ و براءت (چه از سوی دادگاه جنایی^۲ و چه از سوی دادگاه جنحه و خلاف^۳) را

-
1. Décision de non-lieu
 2. Acquittement
 3. Relaxe

موجب جبران خسارت ناشی از بازداشت دانسته است، ولی باید به این موضوع توجه داشت که در حقوق ایران، دو قرار موقوفی تعقیب^۱ و منع تعقیب^۲ به لحاظ شمول مصداقی کاملاً متفاوت از یکدیگرند. این در حالی است که در حقوق فرانسه، مواردی که در حقوق ایران مشمول عنوان موقوفی تعقیب، از جمله فوت متهم، می‌گردند با قرار منع تعقیب مواجه شده است. از این جهت، با در نظر گرفتن مصادیق بیش‌تر قرار منع تعقیب در حقوق فرانسه نسبت به حقوق ایران و با لحاظ این که در حقوق ایران، قرار موقوفی تعقیب عاملی جهت جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی تلقی نمی‌شود، حقوق فرانسه در این خصوص از گستره شمول بیش‌تری برخوردار است.

لازم به ذکر است، هر چند صدور قرار منع تعقیب به مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش دادرسی اختصاص دارد، ولی در جرایمی مانند جرایم منافی عفت، جرایم ارتكابی از سوی افراد زیر ۱۵ سال و جرایم تعزیری درجه هفت و هشت (تبصره ۱ ماده ۲۸۵، ماده ۳۰۶ و قسمت نخست ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری) که تحقیقات مقدماتی آن‌ها به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، نیز احتمال صدور این قرار وجود دارد. از این جهت، در مواردی که ختم رسیدگی با تصمیمات دیگر از جمله موارد موقوفی تعقیب صورت می‌گیرد، اما در قالب قرار منع تعقیب تحقق نیابد، امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی وجود ندارد.

۱. ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر: الف- فوت متهم یا محکوم‌علیه، ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، پ- شمول عفو، ت- نسخ مجازات قانونی، ث- شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون، ج- توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون، چ- اعتبار امر مختوم.»

۲. ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند.»

علاوه بر این، ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در تبیین حدود و ثغور جبران خسارت در فرایند کیفری از اصطلاح «در جریان دادرسی» استفاده نموده و با توجه به تعریف خاص از «مرحله دادرسی»، مرحله تحقیقات مقدماتی از ذیل این مرحله خارج می‌شود. از این رو برخی صاحب‌نظران آیین دادرسی کیفری فرانسه، به کارگیری این اصطلاح را نقصی از سوی مقنن این کشور دانسته و «جریان دادرسی» را در معنای عام آن گرفته‌اند. این گروه در توجیه استدلال خود بر این باورند که اساس جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی، منبث از صدور قرارهای منع تعقیب و براءة است. با عنایت به این که فرای مواردی از جمله رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان که در دادسرا انجام نمی‌گیرد، خاستگاه قرارهای مذکور به‌ویژه قرار منع تعقیب را باید در مرحله تحقیقات مقدماتی و در دادسرا جست، عبارت در جریان دادرسی را نیز باید در مفهوم عام آن در نظر گرفت (Rebois, 2015:318). از این حیث، ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران که از اصطلاح «در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی» استفاده نموده، در مقایسه با حقوق فرانسه، از شفافیت بیش‌تری برخوردار است.

شایان ذکر است که ماده ۱-۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۷۰ فرانسه برای جبران خسارت شروطی را لحاظ نموده بود. به موجب این ماده خسارت وارده باید اولاً غیرعادی باشد و ثانیاً باید مهم قلمداد گردد. با این حال، به دلیل عدم ارائه تعریف واژگان «غیرعادی» و «مهم» و ابهاماتی که از این تعریف حاصل می‌شد، مقنن در قانون سال ۲۰۰۰، شروط مذکور را حذف نمود و به‌صرف وجود قرار منع تعقیب و براءة، زمینه جبران خسارت را هموار ساخت (Gautier, 2008: 56-59).

از جمع مواد ۲۵۵ و ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری چنین برمی‌آید که حق بر جبران خسارت تنها در رابطه با پرونده‌هایی جاری است که منتهی به صدور حکم براءة یا قرار منع تعقیب قطعی شده باشند و بدین‌سان، در رابطه با حکم براءة و قرار منع تعقیب غیرقطعی و هم‌چنین مواردی که مشمول قرار موقوفی تعقیب است، امکان جبران خسارت منتفی است. از سوی دیگر، حق بر

جبران خسارت نسبت به شاهد یا مطلع حکم براءت یا منع تعقیب قطعی معمول نشده و افراد فوق‌الذکر که در مقام اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری جلب شده‌اند، امکان تقاضای جبران خسارت نخواهند داشت (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۶۴). به عقیده همین حقوقدانان هر چند صدور حکم محکومیت (اعم از تعلیقی یا قابل اجرا) از مصادیق جبران خسارت محسوب نمی‌شود، ولی شایسته بود که مقنن جبران خسارت نسبت به متهمان محکوم‌شده‌ای که به‌طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند (از جمله در مواردی که وفق ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، بازداشت موقت خارج از موارد قانونی انجام می‌گیرد) را نیز پیش‌بینی می‌نمود. در این میان هر چند شاید در مقام پاسخ گفته شود که کسر ایام بازداشت غیرقانونی کفایت می‌نماید، اما به عقیده ایشان این فرض شامل کسانی که مجازاتی غیر از حبس داشته‌اند نشده و تحمیل مجازات حبس ناروا بر آن‌ها بدون جبران ضرر و زیان، قانع‌کننده نیست (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۹۵). در حقوق فرانسه نیز با توجه به قید قطعی بودن حکم براءت و منع تعقیب، مبنای استدلال‌های فوق نیز قابل تسری است. به‌ویژه آن که حقوقدانان فرانسوی، مبنای جبران خسارت را ناظر بر بی‌گناهی متهم دانسته و هرگونه رفع بازداشت ناصحیح از جمله رفع بازداشت در نتیجه قرار موقوفی تعقیب را مستحق جبران خسارت نمی‌دانند (Gautier, 2008: 93).

جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت همیشه اعمال نشده و قانون‌گذار ایران و فرانسه استثنائاتی را بیان کرده‌اند. در ایران، حسب ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری هنگامی که بازداشت شخص ناشی از خودداری از ارائه سند و مدرک باشد و نخواهد اسناد دال بر بی‌گناهی خود را ارائه دهد، نمی‌تواند مطالبه خسارت کند. علاوه بر این، فردی که مرتکب اصلی را فراری می‌دهد و خودش را متهم جلوه می‌دهد نیز نمی‌تواند از این ظرفیت قانونی استفاده کند. از سوی دیگر، هنگامی که به نوعی فرد موجبات بازداشت خودش را فراهم کرده است، نیز مشمول این قانون نمی‌شوند. مصداق این بند زندانیان فصلی هستند، به‌ویژه معتادانی که به‌گونه‌ای سعی می‌کنند در زمستان‌ها برای رفع نیازهای خود وارد زندان شوند (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). در نهایت

فردی که هم‌زمان به علت ارتکاب جرم دیگری بازداشت بوده است، نمی‌تواند از خسارت ایام بازداشت بهره‌مند شود. موانع فوق‌الذکر در راستای عدم امکان جبران خسارت، غالباً بر مبنای قاعده اقدام بوده و این مطلب بدان معناست که وقتی فردی به هر شکل موجبات توجه اتهام به خویش را فراهم آورد، سزاوار جبران خسارت نخواهد بود (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۶۴). در حقوق فرانسه نیز در ذیل ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصادیقی بیان شده که در صورت تحقق آن‌ها، فرد از حق جبران خسارت باز می‌ماند. در حقیقت، به‌موجب قسمت اخیر این ماده، در فرضی که تصمیم صادره بر بازداشت متأثر از عدم مسئولیت شخص مطابق با ماده ۱-۱۲۲ قانون جزا^۱ باشد، عفو عمومی بعد از بازداشت رخ دهد، مرور زمان در دعوی عمومی رخ دهد، شخص بنا به علت دیگری هم‌زمان در حبس باشد و یا اساساً بازداشت وی، به خاطر فراری دادن مرتکب جرم با اراده و عمد و به منظور متهم نمودن خویش به ناحق باشد، جبران خسارت ایام بازداشت قابل اعمال نیست.

۴-۲. شرایط شکلی

قبل از بیان شرایط شکلی ذکر این نکته ضروری است که در فرض وجود تقصیر از سوی دولت، مسئولیت آن به نحو کامل بر ذمه دولت قرار می‌گیرد. با این حال، این موضوع همیشه به آسانی قابل تشخیص نبوده و در فرضی که فعل ضرری، چه به نحو کامل یا غیرمستقیم، در نتیجه عمل و دخالت کارمندان دولت (و یا حتی سایر اشخاص) تحقق یابد، موضوع پیچیده است. با استقرای

۱. «شخصی که در هنگام وقوع عمل مجرمانه، دچار اختلال روانی یا عصبی روانی بوده که قدرت تشخیص یا قدرت کنترل بر اعمالش را زایل نماید، فاقد مسئولیت کیفری است. با این حال، شخصی که هنگام وقوع عمل مجرمانه، دچار اختلال روانی یا عصبی روانی بوده که قدرت تشخیص او را خدشه‌دار نموده یا مانع از تسلط وی بر اعمالش شده است، به لحاظ کیفری مسئول است. با این حال، مرجع رسیدگی‌کننده، در هنگام تعیین کیفر و اجرای مجازات، وضعیت یادشده را لحاظ خواهد نمود.»

در آرا و اقوال موجود در این باب، دو نوع رویکرد مشاهده می‌شود. مطابق رویکرد نخست، در تمام وجوه و حالات اعم از عمد و خطا یا تقصیر و قصور، دولت، مسئول جبران خسارت باقی می‌ماند. در واقع در راستای حمایت از شهروندان مسئولیت مطلق دولت پذیرفته شده است. در این زمینه بیان می‌شود که وجود فعل ضرری از سوی کارمند، به نمایندگی از شخصیت حقوقی و نمایندگی حکومت در رسیدگی به امور عامه اشخاص تحقق یافته است؛ بنابراین دولت باید مسئولیت اقدامات کارکنان خود را، بپذیرد. رویکرد دیگر ناظر به فرضی است که با توجه به مبانی اصل شخصیت بودن، هر کس اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی را در فرض تقصیر ملزم به جبران خسارت می‌داند. به تعبیر دقیق‌تر، وفق رویکرد نخست، مسئولیت جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه به طور تمام و کمال بر عهده دولت است. با این حال، پس از جبران خسارت از سوی دولت، توجه به احراز تقصیر کارمند، به زیان‌دیده ارتباط نداشته و در حد امری درون‌سازمانی باقی مانده و در فرض احراز تقصیر کارمند، دولت پس از جبران خسارت، می‌تواند به کارمند مقصر مراجعه نماید. این در حالی است که حسب دیدگاه دوم، چنین فرضی ارتباط درون‌سازمانی منتفی بوده و شخص می‌تواند در فرض تقصیر هر یک، به دولت یا کارمند مقصر مراجعه نماید (Rosenn, 1976: 715-717).

رویکرد نظام‌های ایران و فرانسه نشان می‌دهد که در این دو کشور نیز مسئولیت مطلق دولت در جبران خسارت پذیرفته شده است و دولت تنها پس از جبران خسارت می‌تواند به عامل مراجعه کند. بر این اساس ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته جبران خسارت بر عهده دولت است و مشخصاً وزیر دادگستری مسئول اجرای رأی کمیسیون است. در صورتی که بازداشت بر اساس اعلام مغرضانه، شهادت کذب و یا کوتاهی قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند. در حقوق فرانسه نیز بر اساس ماده ۱۵۰ رویه مشابهی پیش‌بینی شده است.

مطابق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، شخصی که بازداشت شده است، ظرف ۶ ماه از ابلاغ رأی قطعی بی‌گناهی، می‌تواند ادعای جبران خسارت کرده و درخواست خسارت را به کمیسیون استانی ارائه نماید. این کمیسیون در مورد خسارت مادی و معنوی حکم صادر می‌کند و حکم آن، قابل اعتراض در کمیسیون ملی است. در مواد ۲ تا ۵ «آیین‌نامه شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت» (۱۳۹۵) ترتیب تشکیل کمیسیون‌های مذکور نیز بیان شده است.^۱ در حقوق فرانسه نیز بر اساس ماده ۲-۱۴۹ قانون آیین

۱. «کمیسیون استانی» برای رسیدگی به درخواست جبران خسارت بازداشت‌شدگان در حوزه قضایی استان تشکیل می‌شود و در صورت ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد خواهد بود. کمیسیون استانی، متشکل از سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی‌البدل است و از بین قضات دادگاه تجدیدنظر استان تعیین می‌شوند. با سابقه‌ترین عضو به عنوان رئیس انتخاب خواهد شد. کمیسیون فوق دارای یک دفتر می‌باشد که متشکل از مدیر و به تعداد لازم کارمند به تعیین رئیس کل دادگستری استان خواهد بود. کمیسیون ملی، برای رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای کمیسیون استانی در دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود و در صورت نیاز با تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد خواهد بود. کمیسیون فوق دارای سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی‌البدل است و متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان به عنوان رئیس کمیسیون و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور خواهد بود. همچنین، کمیسیون مذکور دارای یک دفتر می‌باشد که متشکل از مدیر و به تعداد لازم کارمند به تائید رئیس دیوان عالی کشور خواهد بود. قضات کمیسیون ملی و کمیسیون استانی توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شوند و عضویت قضات در کمیسیون ملی و کمیسیون استانی حسب مورد منوط به ابقاء ابلاغ آنان در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان مربوط است. همچنین، عضویت در کمیسیون‌های فوق مانع فعالیت آنان در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان به عنوان قاضی نخواهد بود. همچنین، بر اساس مواد ۸ و ۹ آیین‌نامه فوق‌الذکر، «درخواست جبران خسارت باید حاوی موارد زیر باشد: الف- نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، تلفن همراه، پست الکترونیکی، کدپستی و نشانی دقیق متقاضی، ب- شعبه بازداشت‌کننده و شعبه صادرکننده قرار منع تعقیب یا رأی برائت قطعی، پ- مدت بازداشت، میزان و نوع خسارات وارده. تبصره- تصویر مصدق قرار منع تعقیب یا رأی برائت باید به ضمیمه اوراق مزبور ارسال گردد. همچنین، چنانچه متقاضی مدارکی داشته باشد، می‌تواند به ضمیمه ارسال نماید.»

درخواست اعتراض به آرای کمیسیون استانی نیز باید حاوی موارد زیر باشد: «الف- در مورد شخص بازداشت‌شده، مشخصات معترض به شرح مقرر در بند الف ماده ۸ آیین‌نامه و در مورد صندوق مشخصات صندوق، ب- شماره و تاریخ دادنامه معترض‌عنه و تصویر مصدق آن، پ- جهات اعتراض و دلایل.»

دادرسی کیفری مهلت شش ماه برای درخواست جبران خسارت در نظر گرفته شده است. با این حال و برخلاف حقوق ایران که مبنای آغاز مدت ۶ ماه را ابلاغ حکم قطعی دانسته، معیاری برای شناسایی این مدت در نظر گرفته نشده است. از این رو برخی از حقوقدانان با توجه به سکوت قانونی، زمان آگاهی فرد از حکم را معیار آغاز این مدت دانسته‌اند و رویه قضایی نیز آن را تأیید کرده است (Bouloc, 2012: 223).

ماده ۲-۱۴۹ قانون آیین دادرسی فرانسه بر لزوم علنی بودن رسیدگی تأکید کرده است (جز در موارد درخواست متقاضی). با این حال، در حقوق ایران چنین امری پیش‌بینی نشده است. در این خصوص دو دیدگاه می‌تواند مطرح شود. بر اساس دیدگاه نخست، با توجه به این که درخواست جبران خسارت در کمیسیون (و نه دادگاه) رسیدگی می‌شود، فلذا توسعه گستره اصل علنی بودن، آن‌چنان که در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص محاکمات دادگاه آمده، به رسیدگی‌های کمیسیون محل ایراد است. علاوه بر این، اگر قانون‌گذار نظر بر رسیدگی علنی داشت، همانند قانون فرانسه، بیان می‌کرد. در مقابل، می‌توان گفت گسترش اصل علنی بودن به رسیدگی‌های کمیسیون موجب حفظ منافع فرد بی‌گناهی خواهد شد که به ناحق بازداشت شده است. علاوه بر این، تفسیر غایی قوانین اقتضا می‌کند که پیشینه قوانین نیز مدنظر قرار گیرد. با توجه به الگوبرداری قانون آیین دادرسی کیفری ایران از قانون فرانسه، می‌توان گفت تعمیم اصل علنی بودن هم‌سو با اصل تفسیر غایی قوانین می‌باشد. مضاف بر این، این تفسیر در راستای منافع فرد بی‌گناه نیز می‌باشد.

در ایران به موجب ماده ۱۲ آیین‌نامه فوق‌الاشاره «کمیسیون ذی‌ربط به نوبت به پرونده‌های مطروحه رسیدگی نموده و در صورت نیاز دستور تعیین وقت و دعوت از متقاضی و نماینده صندوق را صادر می‌کند. عدم حضور آنان مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمی‌باشد.» همچنین ماده ۱۳ این آیین‌نامه در مقام بیان ضمانت اجرای ماده فوق بیان می‌دارد که «در صورت عدم

رعایت شرایط مقرر در مواد ۸ و ۱۰ آیین‌نامه، حسب مورد مدیر دفتر کمیسیون استانی یا ملی ظرف دو روز نقایص را به متقاضی اطلاع می‌دهد و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، مراتب توسط مدیر دفتر به رئیس کمیسیون مربوط جهت اتخاذ تصمیم منعکس می‌گردد.» در حقوق فرانسه نیز بر مبنای ماده ۴-۱۴۹ و به موجب ماده D-13 آیین‌نامه شورای دولتی راجع به جبران خسارت ایام بازداشت (اصلاحی ۲۰۰۸)، عدم حضور طرفین مانع از رسیدگی نبوده و مدت ۵ روزه جهت رفع نقایص در نظر گرفته شده است (Pradel, 2008: 125). از سوی دیگر، در حقوق ایران، مهلت اعتراض به نظر اولیه در کمیسیون استانی مطابق ماده ۱۱ آیین‌نامه، ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی کمیسیون در نظر گرفته شده است. حال آن‌که در حقوق فرانسه، آیین‌نامه مربوط در این خصوص ساکت بوده و تنها در ماده ۳-۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری این مدت ده روز در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است در حقوق ایران بر اساس ماده ۱۶ آیین‌نامه و در حقوق فرانسه به موجب ماده D-15 آیین‌نامه شورای دولتی، مناط تشکیل و تصمیم‌گیری در کمیسیون‌های مربوطه اکثریت آراست. به عبارت دقیق‌تر، اکثریت ملحوظ در آیین‌نامه شورای دولتی، تشکیلات سه‌نفره کمیسیون مرکب از یک قاضی نشسته و دو مستشار و معاون ذکر شده در قسمت اخیر ماده ۳-۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری است. همچنین مطابق بخشنامه ریاست قوه قضائیه «در اجرای تبصره الحاقی به ماده ۳۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی و با توجه به تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور، در دعاوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده ۲۶۰ قانون فوق و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ و سایر مواردی که دیه از بیت‌المال یا دولت مطالبه می‌شود، مراجع قضایی موظف‌اند از وزارت دادگستری برای جلسه رسیدگی دعوت و رأی صادره را به وزارت فوق ابلاغ نمایند.»

بر اساس ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تعیین خسارت بر عهده کارشناس است. این در حالی است که در حقوق ایران، این موضوع به سکوت برگزار شده است. با این حال،

به نظر می‌رسد که با توجه تخصصی بودن برآورد میزان خسارت، این موضوع نیز حسب قواعد کلی باید بر عهده کارشناس بوده و بدین ترتیب، می‌توان به تبع این موضوع، نحوه ارجاع، اعلام نظر و خسارت وارده از ناحیه کارشناس به واسطه اعلام نظر نادرست را مشمول مواد ۱۵۵ تا ۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری و منطبق بر قواعد کلی راجع به کارشناسی دانست. در ماده ۱-۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به صراحت به برآورد مالی اشاره شده است. این در حالی است که در حقوق ایران ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مبنای کار قرار گرفته که بدون هیچ معیار قابل توجهی، جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول از جرم را قابل مطالبه دانسته است. از این جهت، با توجه به سکوت مقنن نسبت به برآورد مالی، باید به همان استدلال‌های راجع به ارجاع امر به کارشناس استناد جست.^۱

نهایت این که در حقوق فرانسه و در راستای حفظ حقوق فرد مقرر شده که اولاً، فرد بازداشت‌شده در هنگامی که تصمیم منع تعقیب، یا برائت به وی ابلاغ می‌شود، از حق خود در جبران خسارت مطلع می‌گردد (ماده ۱۴۹) و ثانیاً، فرد حق دارد شخصاً و یا توسط مشاور در جلسه حاضر شود (ماده ۲-۱۴۹). با توجه به این مواد می‌توان گفت که وظیفه آگاه‌سازی فرد در خصوص این حق، بر عهده مقامی است که تصمیم‌ها را ابلاغ می‌کند. با توجه به واژه مشاور نیز فرد می‌تواند در جلسه کمیسیون از راهنمایی‌های وکیل بهره‌مند گردد. هرچند در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و آیین‌نامه فوق‌الاشاره به این موارد پرداخته نشده، ولی می‌توان با توجه به

۱. شایان ذکر است در برخی نظام‌ها میزان مبلغ پرداختی بابت جبران خسارت مشخص شده است. به‌عنوان نمونه در هلند بابت هر روز بازداشت ۷۰ یورو پرداخت می‌شود (Michels, 2010: 423). در حقوق نروژ بیان می‌شود معمول‌ترین خسارت، از دست دادن دستمزد در زمان بازداشت است. همچنین دستمزدهایی که فرد پس از آزادی از زندان و قبل از ادعای خسارت از دست داده چنانچه پیامد و نتیجه بازداشت باشد، نیز قابل مطالبه است. به‌عنوان نمونه اگر فشارهای روانی ناشی از بازداشت موجب شود که فرد پس از آزادی نتواند به سرعت به کارش برگردد، می‌تواند آن‌ها را مطالبه کند. علاوه بر این، بر اساس ماده ۴۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، حق‌الوکاله وکیل، هزینه‌های رفت‌وآمد و سایر هزینه‌های دادرسی به شرط این که از تعرفه قانونی بیش تر نباشد، نیز قابل مطالبه است (Bratholm, 1961: 839).

سایر مواد قانونی به این نتیجه رسید که در حقوق ایران نیز فرد بازداشت‌شده بی‌گناه از این حقوق برخوردار است؛ زیرا بر اساس ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری «متهم، بزه‌دیده شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.» حق جبران خسارت نیز از جمله این حقوق است. با این حال، ممکن است این ایراد مطرح شود که حتی با فرض تصور حق اطلاع‌رسانی برای فرد بازداشت‌شده بی‌گناه، برخلاف ماده ۶۳، ضمانت اجرایی برای عدم رعایت آن پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر، با توجه به بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) و نیز ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری که رعایت حقوق شهروندی را در تمام مراحل رسیدگی لازم دانسته و با تفسیری موسع از مفهوم مراحل دادرسی، حق بر داشتن و کیل در کمیسیون جبران خسارت را نیز می‌توان پذیرفت.

برآمد؛

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، هرچند با تأخیر، با الهام از حقوق تطبیقی به‌ویژه نظام کیفری فرانسه، جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه را پذیرفته است. این در حالی است که این نهاد با قواعد فقهی مانند «قاعده لا ضرر»، ضمان، اصل برائت و لزوم رفع ظلم نیز هم‌سو و مطابق است. تطبیق این نهاد در دو نظام نشان می‌دهد که شباهت‌هایی در زمینه شرایط ماهوی و شکلی جبران خسارت وجود دارد. از جمله این که مبنای جبران خسارت حکم برائت یا قرار منع تعقیب قطعی است، جبران خسارت تنها نسبت به متهم پذیرفته شده و سایر افراد دخیل در فرایند کیفری از جمله شاهد و مطلع را در برنمی‌گیرد، شامل مواردی از جمله بازداشت در نتیجه عدم ابراز اسناد مؤثر در رسیدگی، فراری دادن متهم اصلی و بازداشت شدن به جای وی و هم‌چنین فراهم آوردن شرایط بازداشت به دست خود نمی‌شود و نیز مسئولیت مطلق دولت پذیرفته شده و دولت تنها بعد از جبران ضرر و زیان می‌تواند به عامل اصلی خسارت مراجعه نماید. با این حال، تطبیق این نهاد در دو نظام مؤید آن است که قوانین هر دو نظام ابهام‌هایی دارند که در برخی موارد می‌توانند

موجب تعارض آرا و رویه‌ها شود. هرچند در حقوق فرانسه به دلیل قدمت طولانی‌تر این نهاد، ابهام‌های قانونی از رهگذر رویه قضایی و دکترین حقوقی تا حدودی برطرف شده، ولی در حقوق ایران ابهام‌زدایی نشده است که در این نوشتار به برخی از آن‌ها اشاره گردید. بر این اساس و به منظور رفع ابهام‌ها پیشنهاد می‌شود:

- بازداشت در مدت تحت نظر نیز به صراحت مشمول این نهاد قرار گیرد؛
 - بیان گردد که بازداشت اعم از این که در نتیجه صدور قرار بازداشت موقت باشد و یا در نتیجه عدم معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، موجب ایجاد حق جبران خسارت برای متهم بی‌گناه خواهد شد؛
 - لزوم علنی بودن برگزاری جلسات کمیسیون بیان گردد؛
 - نحوه تعیین خسارت به صراحت تعیین و مبنای آن نیز به تفکیک بیان شود؛
 - نحوه رسیدگی به درخواست‌های جبران خسارت در کمیسیون مشخص و به صراحت حقوقی مانند حق بر مطلع شدن متهم آزادشده از جبران خسارت، حق برخورداری از وکیل در جلسات کمیسیون و سایر حقوق قانونی پذیرفته و اشاره شود.
- شایان ذکر است به‌رغم گذشت بیش از سه سال از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و تأسیس این نهاد، آیین‌نامه‌های اجرایی آن به‌تازگی تصویب و ابلاغ گردیده است. مشاهدات عینی نگارندگان نشان می‌دهد در استان‌های مختلف درخواست‌های متعددی جهت دریافت غرامت به کمیسیون‌های استانی تقدیم شده است. ابهام‌های قانونی ذکر شده موجب سردرگمی اعضای کمیسیون‌ها و در نتیجه رویه‌های متفاوت شده است. هرچند، امید می‌رود در ادامه فعالیت این کمیسیون‌ها، رویه واحدی ایجاد گردیده و یا مراجعی مانند دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه ابهام‌زدایی کنند، ولی شایسته بود قانون‌گذار با وسواس بیش‌تری عمل می‌نمود. به یقین تصویب قوانین روشن و فاقد ابهام راه سیاست‌گذاری کیفری از رهگذر بخشنامه‌های قضایی که در سال‌های اخیر رواج یافته را خواهد بست.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۵)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- پورمحمدی، منصور (۱۳۷۴)، *جرم حبس و توقیف غیرقانونی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- جبلی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (بی‌تا)، *الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه*، جلد ۱۰، بی‌جا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *وسایل الشیعه*، جلد ۲۷، بی‌جا.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد نخست، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، *نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- رسولی، محسن (۱۳۸۷)، *مطالعه تطبیقی جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب).
- سلیمی، صادق (۱۳۹۴)، *تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق*، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۳)، *اصل براءت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری*، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- صفایی، حسین؛ حبیب‌الله، رحیمی (۱۳۹۰)، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- طوسی، ابو‌جعفر محمد بن حسن (بی‌تا)، *النهایه*، بی‌جا.
- غلاملو، جمشید؛ محمد، فرجیها (۱۳۹۳)، «محکومیت بی‌گناهان؛ از خطای قضایی تا بی‌گناهی واقعی»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۸.

- فرجیها، محمد؛ جمشید، غلاملو (۱۳۹۴)، «سازوکارهای رسیدگی به ادعای بی گناهی محکومان: مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و انگلستان، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱۱.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۸)، *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*، چاپ نخست، تهران: شهر دانش.
- قافی، حسین؛ سعید، شریعتی (۱۳۹۴)، *اصول فقه کاربردی*، جلد سوم، چاپ نخست، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قربانی، علی؛ جعفر، موحدی (۱۳۹۰)، «اصل براءت در اندیشه فقهی و فرض بی گناهی در اندیشه اروپایی»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶.
- محلاتی، محمد سروش (۱۳۹۲)، *ضمان القاضی (تقریرات خارج فقه)*، قم: انتشارات امام.
- مصدق، محمد (۱۳۹۴)، *نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری (با آخرین اصلاحات)*، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه و جنگل.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد ۴۰، بی جا.
- Ashworth, A. (2006), "Four threats to the presumption of innocence", *International Journal of Evidence and Proof*, Vol.10 (4).
- Beresford, S. (2002), "Redressing the wrongs of the international justice system: Compensating for persons erroneously detained, prosecuted, or convicted by the International Criminal Tribunals", *American Journal of International Law*, Vol. 96 (3).
- Bouloc, B. (2012), *Procédure pénale*، 20 é, Paris: Dalloz.
- Bratholm, A. (1961), "Compensation of persons wrongfully accused or convicted in Norway", *University of Pennsylvania Law Review*, Vol.109 (6).
- Crijns, J., Leeuw, B. & Wermink, H. (2016), "Pre-trial detention in the Netherlands: Lgal principles versus practical reality: Research report", *Universiteit Leiden*, Available at: <https://www.fairtrials.org/wp->

content/uploads/j.h.-crijns2c-b.j.g.-leeuw-h.t.-wermink-pre-trial-detention-in-the-netherlands.-legal-principles-versus-practical-reality.pdf.

- Domenech, G. & Puchades, M. (2015), "Compensating acquitted pre-trial detainees", *International Review of Law and Economics*, Vol.43.
- Gammeltoft-Hansen, H. (1974), "Compensation for unjustified imprisonment in Danish law", *Scandinavian Studies in Law*, Vol. 18.
- Gautier, J. (2008), *Procédure pénale*, Paris: Cujas.
- <http://www.dalloz.fr/documentation/Document?id=CPRP>
- Larguier, J. (2010), *Procédure pénale*, 11 é, Paris: Dalloz.
- MacKinnon, P. (1988), "Costs and compensation for the innocent accused", *Canadian Bar Review*, Vol. 67.
- Michels, J. D. (2010), "Compensating Acquitted Defendants for Detention before International Criminal Courts", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8.
- Pradel, J. (2008), *Procédure pénale*, 7 é, Paris: Cujas.
- Rebois, J. (2015), *Procédure pénale*, 2é, Paris: Litec.
- Rosenn, K.S. (1976), "Compensating the innocent accused", *Ohio State Law Journal*, Vol. 37 (4).
- Rosenn, K.S., (1974), "Right of compensation for detention prior to acquittal", *American Associate for the Comparative Study of Law*, Vol. 21.
- - Shelbourn, C. (1978), "Compensation for detention", *Criminal Law Review*, Vol. 25.
- Staker, C. & Nerlich, V. (2015), *Compensation to an arrested or convicted person*, in Triffterer, O. & Ambos, K., *The Rome statute of the international criminal court: A Commentary*, Oxford: Hart Publishing.
- Stevens, L. (2009), "Pre-trial detention: The presumption of innocence and article 5 of the European Convention on Human Rights cannot and does not limit its increasing use", *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, Vol.17 (2).



Compensation for Innocent Arrested Defendants in Iran and France Criminal Justice System

Muhamad Bagher Moghadasi¹ – Ebrahim Rezagholizadeh²

(Received: 13/ 3/ 2017 - Accepted: 4/ 10/ 2017)

Abstract

The right of arrest is one of the foremost authorities that has been awarded to authorities of the criminal justice system in order to fight against crime effectively. Although attempts have been made to avoid arresting innocent persons by requiring officers to use criteria such as reasonable suspicion before detention, the verdict on the innocence of arrested defendants is issued. In this case, the fundamental question arises as to whether the detainee can claim compensation for detention and losses? Although the pros and cons raised, the arguments of proponents is stronger than the opponents. In this regard, in recent decades under various criminal justice system including France (since 1970) and Iran (since 2014), the right of compensation for innocent arrested defendants has been accepted. This article tries to study this institution in Iranian and French criminal justice system by taking advantage of a comparative approach.

Keywords: Compensation, Arrest, Innocent Defendants, Presumption of Innocence, Commission of Compensation.

1. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Bojnord University, Bojnord (Corresponding Author): mbmoghadasi@yahoo.com

2. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Mashhad Branch , Mashhad.